



## خواستاران بهشت و فراریان جهنم در خوابند/ سرانجام فرزندان عمر بن عبدالعزیز و هشام

امام علی(ع) می فرماید: هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستارانش به خواب رفته باشند، و نه همانند آتش که فراریان از آن، این چنین در خواب فرو رفته باشند.

امام علی(ع) می فرماید: هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستارانش به خواب رفته باشند، و نه همانند آتش که فراریان از آن، این چنین در خواب فرو رفته باشند.

امام علی (ع) در خطبه 28 نهج البلاغه در بی وفایی دنیا و توجه به آخرت می فرماید: اما بعد، دنیا روی بازگردانده و وداع خویش را اعلام داشته است، آخرت روی آور شده و طلایه آن آشکار گردیده است. آگاه باشید! امروز، روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است، جایزه برندگان، بهشت و سرانجام عقب ماندگان آتش خواهد بود. آیا کسی یافت می شود که پیش از فرا رسیدن مرگش از خطاهایش توبه کند؟ و آیا انسانی پیدا می شود که قبل از رسیدن آن روز، عمل نیکی برای خود انجام دهد؟

آگاه باشید! همه در دوران آرزوئی بسر می برید که اجل و مرگ به دنبال دارد با این حال هر کس پیش از رسیدن اجلش، در همان دوران آرزوهایش به عمل پردازد، اعمالش به او منفعت می بخشد و مرگش به او زبانی نمی رساند و آن کس که در این ایام آرزو، پیش از فرا رسیدن اجل در عمل کوتاهی کند گرفتار خسران شده و فرا رسیدن اجل برای وی زیانبخش است. همانطور که به هنگام ترس و ناراحتی برای خدا عمل می کنید به هنگام آرامش نیز عمل نمائید.

آگاه باشید من هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستارانش به خواب رفته باشند، و نه همانند آتش که فراریان از آن، این چنین در خواب فرو رفته باشند. خوب بدانید! آنها که از حق بهره مند نشوند، زیان باطل دامنهشان را فرا خواهد گرفت و آن کس که هدایت، راهنمایش نگردد گمراهی او را به هلاکت می کشاند.

آگاه باشید! فرمان کوچ درباره شما صادر گردیده و به زاد و توشه آخرت راهنمایی شده اید. وحشتناک ترین چیزی که بر شما می ترسم هواپرستی و آرزوهای دور و دراز است. از این دنیا زاد و توشه ای بگیرید که فردا خود را با آن حفظ کنید!

سید رضی می فرماید: اگر سخنی باشد که مردم را به سوی زهد بکشاند و به عمل برای آخرت وادار سازد. همین سخن است که می تواند علاقه انسان را از آرزوها قطع کند و جرقه بیداری و تنفر از اعمال زشت را در قلب، برافروزد و از شگفت آورترین جمله های مزبور، این جمله است: &#171;الاوان اليوم المضمار و غدا السباق و السبقة الجنة و الغاية النار&#171; آگاه باشید امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است، جایزه برندگان بهشت و سرانجام عقب ماندگی آتش خواهد بود، زیرا با اینکه در این کلام الفاظ بلند و معانی گراند و تمثیل صحیح و تشبیه واقعی می باشد سری عجیب و معنائی لطیف در آن نهفته شده و آن جمله &#171;و السبقة الجنة و الغاية النار&#171; است.

امام بین این دو لفظ &#171;السبقة&#171; و &#171;الغاية&#171; به خاطر اختلاف معنی جدائی افکنده، نگفته است &#171;السبقة النار&#171; چنانکه &#171;السبقة الجنة&#171; گفته، زیرا سبقت جستن در مورد امری دوست داشتنی است و این از صفات بهشت است و این معنی در آتش &#171;السبقة النار&#171; که از آن بخدا پناه می بریم وجود ندارد، امام جائز ندانسته که بگوید: &#171;السبقة النار&#171; بلکه فرموده است الغاية النار، زیرا مفهوم غایت (پایان) مفهوم وسیعی است که در موضوعات مسرت بخش و غیر مسرت بخش به کار می رود و در حقیقت مرادف &#171;المصیر&#171; و &#171;مآل&#171; است (که به معنی سرانجام می آید) چنانکه خداوند می فرماید: &#171;قل تمتعوا فان مصیرکم الی النار&#171;: به کافران بگو بهره بگیرید که سرانجام شما به سوی آتش است.

در این خطبه دقت کنید که باطنی شگفت‌آور و عمقی زیاد دارد و چنین است اکثر سخنان امام(ع) و در بعضی نسخه‌های این خطبه چنین آمده است &#171و السیقة الجنة» (به ضم سین) که به جایزه‌ای گفته می‌شود که به پیشتازان و برندگان مسابقه داده می‌شود خواه وجه نقد باشد یا جنس دیگری و معنی هر دو کلمه به هم نزدیک است.

توضیح‌ها:

این خطبه را &#171جاحظ» در کتاب &#171البيان و التبیین» و &#171مسعودی» در کتاب &#171مروج الذهب» و &#171ابن فتیبه» در عیون الاخبار- با کمی اختلاف در بعضی جمله‌ها و صاحب کتاب &#171اعجاز القرآن» و &#171تحف العقول» و &#171ابن عبد ربه» در &#171عقد الفرید» آورده‌اند. (مستدرک و مدارک نهج البلاغه صفحه 242)

امام(ع) در این خطبه از زهد و پارسائی در دنیا سخن گفته است. ابن ابی الحدید در اینجا نکات جالبی آورده که ذکر پاره‌ای از آن مناسب است: الف- &#171ابو حازم» می‌گوید: &#171بین من و زمامداران، تنها یکروز تفاوت است اما دیروز که نه آنها لذات آن را به یاد دارند و نه من تلخی‌های آنرا و فردا هر دو در خطر قرار داریم، تنها امروز است که آنها زمامدارند و من در این حال، آن هم معلوم نیست تا عصر چه شود؟»!

ب: می‌گویند: هنگامی که عبد الملک مروان در سختی قرار گرفته بود، لباسشویی را دید گفت دوست دارم من هم مانند او لباسشو بودم، روزانه کسب می‌نمودم و زندگی آرامی داشتم: این سخن را به ابوحازم گزارش کردند، گفت: &#171الحمدلله که زمامداران به هنگام مرگ دوست دارند همچون ما باشند و ما در موقع مرگ آرزوی مقام آنان را نداریم»!

ج: به شخص زاهدی گفته شد چگونه به تنهایی به سر می‌بری؟ گفت: تنها نیستم با خدایم همنشینم. &#171اذا شئت ان یناجینی قرات کتابه، و اذا شئت ان اناجیه صلیت»، یعنی هر گاه بخواهم او با من سخن بگوید کتابش را می‌خوانم و هر گاه خواستم با او حرف بزنم نماز می‌خوانم.

د: می‌گویند اسکندر وارد یکی از شهرهایی که گشوده بود، شد، از اولاد زمامداران آنها که باقی بودند جویا شد، گفته شد مردی از آنها هست که در قبرستان سکونت گزیده، وی را احضار کرد. گفت: چرا مجاور قبرستان شده‌ای؟ پاسخ داد: می‌خواستم تفاوت و برتری استخوانهای زمامداران از زیردستانشان را ببایم، اما همه را مساوی یافتم، اسکندر گفت: می‌خواهی تابع من گردی که شرافت و بزرگی پدران را برایت زنده کنم، اما اگر همت داشته باشی؟! در پاسخ اسکندر گفت: اتفاقا همتم بلند است. پرسید چیست؟ گفت: آرزوی من این است که زندگی که مرگ نداشته باشد، جوانی که پیری در آن نباشد ثروتی که فقر دست به آن نیازد و خوشحالی که رنج به دنبال نداشته باشد، نصیبم شود. اسکندر گفت: اینها نزد من پیدا نمی‌شود. مرد گفت: پس مرا به حال خود واگذار تا از آنکس که دارد بخواهم.

ه: 171#& منصور دوانیقی» از 171#& عمرو بن عبید» در خواست کرد که او را اندرز کند. عمرو گفت: به آنچه دیده‌ام موعظه‌ات کنم، یا به آنچه شنیده‌ام؟ گفت: به آنچه دیده‌ای! گفت: 171#& عمر بن عبد العزیز» را به هنگام مرگ مشاهده کردم. 11 پسر داشت و 17 دینار از خود باقی گذاشت، 5 دینار آنرا کفنی برایش تهیه کردند و با 2 دینار آن زمین قبرش خریدند، در نتیجه به هر یک از فرزندان کم‌تر از یک دینار ارث رسید. اما 171#& هشام بن عبد الملک» را هنگام مرگ دیدم که 10 پسر داشت و به هر کدام یک میلیون دینار از ارث او رسید. یک روز هم یکی از پسران عمر بن عبد العزیز را یافتم که تنها در همان روز 100 اسب را برای جهاد در راه خداوند آماده ساخته بود و یکی از فرزندان هشام را ملاقات کردم، در حالی که دست نیاز به سوی مردی دراز کرده بود که به او صدقه دهد! (نقل از جلد 2 شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ص 94 به بعد)